

# آذربایجان

بنشینجی دؤور (دوره پنجم) ۳۸- جی نمره (شماره ۳۸) ناشر افکار فرقه دمکرات آذربایجان/۱ فروردین ۱۳۸۶/ص ۱

## عید نوروز بر هموطن مان مبارک باد!

مردم میهن ما، صرفنظر از تکلم واندوه یکدیگر شریک بوده اند. این متفاوت و فرهنگ گونا گون، قرنهای تاریخ طولانی همه ایرانیان را بهم کنار هم زندگی کرده و در شادی نزدیک نمود، علاوه بر زنده را نیز خلق نموده اند.

ادامه در صفحه ۲

## مریم فیروز در گذشت



مریم فیروز، از زمره زنانی از شاهزادگان قاجار بود که در نهضت زنان، فعالانه شرکت نمود. اولین بار در ایران، سازمان زنان را تشکیل داد و در رهبری آن قرار گرفت. سازمان زنان ایران، در سالهای فعالیت علنی احزاب، شکل گرفت، صفوف آن گسترش یافت و در آگاهی زنان ایران نقش برجسته ای ایفا نمود.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، سازمانهای سیاسی و توده ای سرکوب گردید. فعالین آنها دستگیر و زندانی شدند. مریم فیروز نیز مانند دهها مبارز آزادی طلب از ایران خارج شد و با شوهر خود، نورالدین کیانوری بیش از ۲۵ سال در مهاجرت زندگی

ادامه در صفحه ۳

## اعلامیه

کارزار برای آزادی منصور اساتلو و محمود صالحی

تشکلهای عفو بین الملل، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری و فدراسیون بین المللی کارکنان حمل و نقل روز ششم مارس را روز اعتراض جهانی و اقدام برای آزادی فوری منصور اساتلو و محمود صالحی، دبیر سابق انجمن صنفی ناتوایان شهر سقز در استان کردستان اعلام کرده بودند.

ادامه در صفحه ۲

## عباس لسانی

از زندان اردبیل به زندان یزد منتقل شد.

در صفحه ۵

## ارمنستان – در گیری خونین بر سر قدرت

انتخابات ریاست جمهوری در ارمنستان و پیروزی گروه کوچاریان در انتخابات با اعتراض شدید مخالفین رویرو گردید. مخالفین، ادعا می کنند پیروزی گروه کوچاریان با دستبرد در رای گیری امکان پذیر شده است. بنابراین، انتخابات قانونیت ندارد، باید نتایج آن ملغا شود و انتخابات از نو بر گزار گردد. برای عملی کردن این خواست، هزاران نفر به خیابانها ریختند و در میدان مرکزی چادر زدند و شب و روز میدان را ترک نکردند. روز بروز تعداد معترضین رو به افزایش گذاشت و خواست تجدید انتخابات همه گیر شد و شکل سراسری به خود گرفت.

ادامه در صفحه ۳

در این شماره

- صدر اعظم آلمان در مسکو.....ص ۴
- ۶۲ سال در سنگر مبارزه .....ص ۶
- زبان ترکی آذربایجانی(۲).....ص ۸
- بیاپید به خود آیمیم و خودمان باشیم.....ص ۹
- ایران و جهان در سالی که گذشت.....ص ۱۰
- مهاجرته آذربایجان دموکرات فیرقه سی.....ص ۱۱
- ده میلیون کارگر مهاجر در روسیه.....ص ۱۲

### ادامه عید نوروز...

عید نوروز، یکی از مبارک ترین اعیاد است که همه ایرانیان آن را گرامی میدارند و هر سال با شادی و شغف، آنرا جشن میگیرند. در این روز، غم و اندوه را فراموش می کنند و با امید به آینده می نگرند و میکوشند اجاق همه در این روز فرخنده روشن شود. خرد سال و بزرگ سال غرق شادی و سرور گردند.

عید نوروز، سرآغاز زنده شدن طبیعت، آغاز تماس انسانها با طبیعت است، طبیعتی که بشر در آغوش آن زندگی میکند، معجزه ها می آفریند، آسمان را فتح می کند، به ستاره ها دست می باید، روی زمین جشن و سرور برپا می کند.

همه فتوحات، محصول مغز متفکر انسان است. انسان هم برای خود، و هم برای همه فکر می کند. از این دید است که خلاقیت در خدمت همه قرار می گیرد. یعنی از دید وسیع، انسان موجود اجتماعی است و بدون تماس با جمع، فاقد هنر و خلاقیت است. این خلاقیت از دید محدود جنبه منفی دارد. زیرا، حاصل خلاقیت و کار جمعی، بشکل نا عادلانه تقسیم می شود. گروه کوچکی از آن بهره مند میشوند و انبوه انسانها در اقیانوس فقر، مانند سرنشینان کشتی در حال غرق، دست و پا میزنند. «خوشبخت» میلیونها انسان است که روزانه یک دلار دست و پا می کند و چیزی به شکم نیمه گرسنه خود می اندازد.

این بالاترین آرزوی اجتماعی و فردی است که جهان و جهانیان روزی در آرامش بسر برند. جنگ و خونریزی در چارچوب وسیع و محدود پایان یابد، روز و روزگار مریدی و مرشدی بسر آید سیستم آقابالاسر منهدم شود. هر کسی با کار و زندگی آرام خود مشغول شود، گرسنگی، بی خانمانی از بین برود.

کوخ ها ویران شود. همه با استفاده از حاصل کار خود، کاخ نشین گردد.

هم میهنان!

بار دیگر شما را در جهان پر طلایه، در ایران محروم از آزادی، برابری و دموکراسی، بمناسبت فرارسیدن عید نوروز تبریک میگوئیم. زندگی خود به خود، نبردی است که انسان را برای دست یابی به ترقی پیش می راند. در این نبرد زندگی، کامیاب باشید.

### ادامه کارزار آزادی منصور اسانلو و...

.... این تشکلهای بین المللی امروز را روز همبستگی با کارگران ایران اعلام کرده و از همه اتحادیه های وابسته به خود خواسته اند که در این روز کارزارهایی برای همبستگی با کارگران ایران و آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی برپا دارند.

بنابر این مبارزه برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی خصلت جهانی یافته و میلیونها انسان عاشق آزادی و برابری در سراسر جهان از وضعیت آنها مطلع شده و خواهان آزادی فوری آنها هستند.

آقای اسانلو چند ماه پیش به دعوت فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل به لندن آمده بود و رئیس این فدراسیون در سخنرانی اش در تجمع به دیدار شخصی خود با منصور اسانلو اشاره کرد.

منصور اسانلو، دهم ژوئیه (نوزدهم تیر) گذشته پس از آنکه در نزدیکی محل سکونت خود در تهران از اتوبوس پیاده شد، با زور و ضرب و شتم به دست مأموران لباس شخصی بازداشت شد.

وی پیشتر دو بار، یک بار به مدت هفت ماه و بار دیگر به مدت یک ماه بازداشت و سپس با سپردن وثیقه آزاد شده بود.

محمود صالحی نیز سه سال پیش در جریان برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در شهر سقز به همراه چند تن دیگر از فعالان انجمن صنفی نانویان این شهر بازداشت و پس از مدتی، موقتاً آزاد شد.

دادگاه او را به یک سال حبس محکوم کرد و با قطعی شدن این حکم، آقای صالحی از چهار ماه پیش برای گذراندن مدت محکومیت خود در زندان سنندج، مرکز استان کردستان به سر می برد.

فرقه دمکرات آذربایجان در طول مبارزات خود، همیشه دفاع از حقوق زحمتکشان کشور را در صدر برنامه های خود قرار داده و هم اکنون نیز در کارزار برای آزادی این دو شخص خود را سهیم دانسته و از مقامات مسئول خواهان آزادی آنهاست. چرا که قانون اساسی جمهوری اسلامی حقوق همه اقشار و طبقات جامعه را به رسمیت شناخته است. برای اعتراض و نمایشاتی که جنبه حقوقی دارد طبق مواد قانون اساسی حق قائل شده است.

فرقه دمکرات آذربایجان

۲۰۰۸/۳/۵

فرقه دموکرات آذربایجان

۲۷ اسفند ۱۳۸۶

## ادامه ارمنستان - درگیری خونین بر سر قدرت

رئیس جمهوری کنونی زیر بار خواستهای مخالفین نرفت. در نتیجه دولت وضع فوق العاده اعلام نمود. ارتش و پلیس وارد عمل شدند. درگیری میان تظاهر کنندگان با ارتش و پلیس به زد خورد منجر گردید. ۸ نفر در نتیجه اصابت گلوله به قتل رسید، عده ای زیادی زخمی شدند و دهها نفر از تظاهر کنندگان دستگیر و راهی زندان گردیدند. پلیس، میدان را به تصرف در آورد، چادرها را بر چید، آرامش را بر پایتخت باز گرداند.

جالب توجه است که اروپا بلافاصله پس از شمارش آرا رئیس جمهور منتخب تبریک گفت و سخنی از تخلفات در رأی گیری بمیان نیلورد. در عین حال، اروپا، آب در دهن گرفت و از اظهار نظر درباره وضع متشنج ارمنستان خود داری کرد. بعد از خون ریزی در میدان مرکزی و سرکوبی تظاهر کنندگان، اروپا و آمریکا از دولت ارمنستان خواستند وضع فوق العاده را لغو کند و نماینده درجه سوم وزارت امور خارجه آمریکا به ایروان عزیمت نمود. اما، با دست خالی باز گشت.

دولت ارمنستان برای جبران «گناهان» خود و به خاطر جلب حمایت مردم از رژیم، در سراسر جبهه میان ارمنستان و آذربایجان آتش بس را نقص کرد و دست به حملات تهاجمی زد. اما طرف آذربایجان با پاسخ ضد حمله، دشمن را به عقب راند. در این درگیری، گرچه، هر دو طرف متحمل تلفات جانی شدند، آتش بس از نو برقرار گردید. حالا بیش از ۲۰ روز از انتخابات ریاست جمهوری در ارمنستان میگذرد. وضع در داخل ارمنستان، به آتش زیر خاکستر شباهت دارد. احتمال دارد بعد از لغو وضع فوق العاده، مخالفین دولت مجدداً به خیابانها بریزند و بشکل گسترده تر، دست به اعتراض بزنند و درگیریهای شدیدتری میان نیروهای امنیتی و مردم رخ دهد. زیرا دولت کنونی با انزوای خود در منطقه و با امتناع از آزادسازی مناطق اشغالی آذربایجان و با جلوگیری از بازگشت آوارگان جنگی آذربایجان به محل سکونت دائمی خود، هم حل عادلانه مسئله ارامنه مقیم قره باغ علیا را با مشکل روبرو ساخته و هم صدمات جبران نا پذیری به تأمین امنیت در ماوراء قفقاز، وارد آورده است.

مخالفین حکومت کنونی این خطر را درک کرده اند و برای دستیابی به تفاهم میان ارمنستان و آذربایجان در مورد حل مسئله قره باغ علیا و جهت بیرون آوردن ارمنستان از انزوای سیاسی و اقتصادی مبارزه ای را آغاز نموده اند که توقف ناپذیر است.

امیرعلی لاهرودی

## ادامه در گذشت مریم فیروز

مریم فیروز، بعد از پیروزی انقلاب به ایران باز گشت. سازمان زنان ایران را احیاء و به یک سازمان وسیعی مبدل نمود. صدها زن آگاه ایران به عضویت آن در آمدند و در صفوف آن به مبارزه برخاستند. اما، طولی نکشید که احزاب بطور کلی و بویژه، احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و صنفی از جمله سازمان زنان، مورد یورش قرار گرفتند و رهبران و کادرهای آنها از جمله، مریم فیروز و نورالدین کیانوری دستگیر و زندانی شدند. سالها بعد، از زندان آزاد شدند. کیانوری، چند سال قبل فوت کرد. مریم فیروز نیز در ۱۳ ماه مارس سال ۲۰۰۸، چشم از جهان فرو بست.

فرقه دمکرات آذربایجان وفات این شیرزن را به همه زنان آذربایجان ایران تسلیت میگوید.

۱۴ مارس ۲۰۰۸

## ادامه زبان ترکی آذربایجانی

در دوران امپراطورهای طوایف ترک در ایران، فقط زبان ارتش، زبان ترکی بوده است که آن نیز در دوران رضا شاه در فرهنگستان زبان فارسی به رهبری علی دشتی پاکسازی شد. کلمات امپرتومان، یوزباشی، اون باشی، مین باشی و ... سترده گردید و کلماتی نظیر ارتشبد، سرلشکر، گروهان و گروهبان، دسته و رسته بکار گرفته شد.

زبان ترکی آذربایجانی کی و چه وقت در این سرزمین مستقر گشته، حداقل برای تاریخ ما نامعلوم است. نگاهی گذرا به توپونومی این سرزمین گواه این ادعا می باشد. اسامی تمامی کوهها؛ ساولان، قره داغ، دشتها؛ سولدوز، آغداش، رودخانه ها؛ قره سو، آجی چای، قورو چای، گیاهان؛ دوه تیکانی، بویمادرن، ککلیک اوتو، پرندگان؛ توراج، توراخئی، گورچین، بلدرچین، سبزیجات؛ کور، کشنیش، سوغان، میوه جات، آما، هیوا، اوزوم، و حتی ستارگان؛ اولکر، دان اولدوزو، کاروان قنران، و... به زبان ترکی می باشد و ثابت می کند که این زبان وارداتی نبوده، دارای تاریخ دیرینه ای در این سرزمینها می باشد و هیچ ارتباطی با آمدن و رفتن مغولهای فاقد زبان مکتوب نداشته است.

م.م. تقی زاده

## صدر اعظم آلمان در مسکو

جمهوری کنونی در دور اول و با اکثریت «شککننده» پیروز شود. هر دو انتخابات نشان داد که دولت کنونی بر اوضاع مسلط است. گروه مشخصی قدرت را قبضه کرده و در آینده نیز این گروه، در قدرت باقی خواهد ماند. صدر اعظم آلمان، در چنین اوضاع و احوالی وارد مسکو شد و با رئیس جمهور فعلی ملاقات کرد. در این ملاقات رئیس جمهور روسیه با صراحت علیه گسترش ناتو اعتراض نمود و دلیلی نیز در این مورد ارائه نمود مبنی بر اینکه حالا که دو سیستم متخاصم در برابر هم قرار ندارد. چرا ناتو باید گسترش یابد. صدر اعظم آلمان جواب کوتاه داشت «ناتو سازمانی است تدافعی»

ملاقات میان صدر اعظم آلمان و رئیس جمهور منتخب روسیه نیز انجام گرفت. روابط، آینده آلمان و روسیه مورد مذاکره قرار گرفت. گروه حاکم در روسیه از دو جهت با غرب از لحاظ سیاسی در تقابل است:

۱- تضاد روسیه و روسها با غرب و غربیان ریشه عمیق تاریخی دارد بویژه، تضادی است میان ژرمن ها و اسلاوها. عبارات دیگر، تضاد میان نژادها است. زیرا، حل این تضاد مشکل و مشکل تر است.

۲- در غرب فرد گرایی، در روسیه کولکتیویزم، بر جامعه حاکم است.

۳- حکومت روسیه با آشنائی به روحیه ملت، برای جلب حمایت آن مجبور است. وضع خاص روسیه را در نظر بگیرد تا از این طریق، از حمایت ملت بر خوردار شود.

۴- غرب علیه روسیه وارد جنگ خواهد شد. بدین سبب که، الف- روسیه دارای سلاح کشتار جمعی است. ب- ثروت زیر زمینی روسیه اکنون به زانده اقتصاد غرب تبدیل شده است و بدون هیچ موانعی نفت و گاز این کشور ماشین صنایع غرب را به حرکت در می آورد و در آینده نیز به حرکت در خواهد آورد.

بنابراین، ناتو یک سازمان تدافعی نیست بلکه، سازمان تهاجمی است برای سرکوبی ملت ها و دولتهای «یاغی» در سراسر جهان از جمله در بالکان، در افغانستان، در عراق و هر جای دیگر جهان

اروپا ۵۰۰ سال است که سراسر جهان را تحت سیطره خود در آورده است. ثروتهای طبیعی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را به یغما می برد و نیروی انسانی این کشورها را مورد بهره برداری بی رحمانه قرار میدهد و اکنون با تکیه بر قدرت اقتصادی و نظامی خود بشکل دسته جمعی بر سر نوشت ۵ میلیارد انسان حاکم است و مصمم است سالیان دراز حکمرانی خود را در جهان حفظ نماید. غرب از جنگ های چریکی و از تروریزم باک ندارد، بلکه، برای پرده پوشی سیاست تجاوزکارانه خود، عملیات تروریستی را ترغیب می کند. زیرا، قاتل و مقتول را از میان مردم کشورهای غارت شده انتخاب می کند.

اروپا ۵۰۰ سالست که آسیا، آفریقا و نیم کره غربی را تحت تسلط خود در آورده است. تسلط و حکمرانی اروپا بر کره ارض اشکال مختلفی بخود گرفته است. این قدرت نمائی و حکم رانی در قرن حاضر شکل خاص و محتوی ویژه ای دارد.

اروپای غربی ثروتمندتر و پیشرفته تر از همه نقاط و کشورهای جهان است. به این دلیل که تکنولوژی مدرن در اروپا اختراع شد و از طریق مهاجرت اروپائیان به آمریکا، علم و دانش به شمال آمریکا انتقال یافت. تسلط بلامنازع آمریکای شمالی بر جنوب آمریکا، سبب شد تا قدرت اقتصادی و نظامی آن دو چندان شود.

در قرن ۲۰، دو جنگ بزرگ در اروپا رخ داد، آمریکا با آن قدرتی که داشت در این جنگ شرکت نمود. در هر دو جنگ، آلمان شکست خورد. آمریکا به یک دولت قدرتمند جهانی تبدیل گردید. روسیه در هر دو جنگ بشکل فعال شرکت داشت. در جنگ اول، از غرب جدا شد، در جنگ دوم، نیمی از اروپا (اروپای شرقی) در ردیف متحدین روسیه قرار گرفت.

این جدائی هفتاد سال بطول انجامید، دو اردوگاه اجتماعی- اقتصادی و نظامی شکل گرفت. نظام سرمایه داری با سازمان نظامی آتلانتیک شمالی (ناتو) در غرب اروپا، نظام سوسیالیستی با سازمان نظامی پیمان ورشو در شرق اروپا در مقابل هم قرار گرفتند. بعد از تجزیه اتحاد شوروی و از میان برداشتن سوسیالیزم در اروپای شرقی و انحلال پیمان ورشو، ضرورت منطقی موجودیت ناتو از میان رفت. اما چنین نشد. زیرا، معلوم شد که ناتو نه برای سد کشیدن در برابر رخنه کمونیزم به اروپا غربی بلکه، برای تسلط اروپای تحت رهبری آمریکا بر جهان، تشکیل شده است.

اکنون و حدت سیاسی و اقتصادی اروپا تأمین شده است. همه کشورهای اروپا (در شرق و غرب) باستثنای روسیه، عضو ناتو هستند. اوکراین نیز خود را برای پیوستن به ناتو آماده می کند.

دولت روسیه، در برابر گسترش ناتو تا سرحدات روسیه، واکنشی از خود نشان نمیداد. اما وقتی دولت آمریکا اعلام نمود که پایگاه ضد موشکی در لهستان و جمهوری چک ایجاد خواهد کرد با مخالفت روسیه روبرو شد. خبر آمادگی اوکراین برای عضویت در ناتو خشم دولت روسیه را برانگیخت. حساب و کتاب بدهی اوکراین از بابت گاز به مسئله حاد مبدل شد برای چند روز، ۵۰٪ گاز انتقالی به اوکراین قطع گردید. اوکراین تهدید شد در صورت پیوستن به ناتو، روسیه موشک های آتمی خود را به سمت آن کشور نشانه خواهد گرفت.

موضع گیری روسیه نسبت به غرب در آستانه انتخابات دومای دولتی و ریاست جمهوری تشدید یافت. استفاده از روحیه عظمت طلبی هیئت حاکم روسیه، بویژه، برای آن ضرورت پیدا میکرد که حزب حاکم، «حزب متحد روسیه» اکثریت مطلق در دومای دولتی را حفظ کند و وارث رئیس

## عباس لسانی از زندان اردبیل به زندان یزد منتقل شد

آوردند و با چاپ کاریکاتور تحریک آمیز ضد ترکی، احساسات جوانان هویت خواه آذربایجان را برانگیختند. آنها علیه این تحقیر به خیابانها آمدند و دست به تظاهرات زدند. اما این حرکت، با خشونت سرکوب گردید. دهها و صدها معترض دستگیر شدند و روانه زندانها گردیدند.

لیکن، آذربایجانی آن درخت بید نیست که به هر بادی بلرزد و از خود بی خود شود. آذربایجانی، فرزند ستارخان، باقرخان، شیخ محمد خیابانی، حیدر خان عم اوغلی و پیشه وری هاست که در تاریخ نام و نشانی از خود باقی گذاشته و مبارزه آزادی طلبی و هویت خواهی خود را در تاریخ معاصر ایران با خط زرین به ثبت رسانده است.

عباس لسانی ها، فرزندان این قهرمانان اند و در عصر پیروزی خواستهای ملی، زندگی و مبارزه میکنند. کمپ بدرآباد لرستان، پدران آنها را نترساند و مبارزه آنها را متوقف ننمود. زیرا آذربایجانی حق خود را می خواهد، آزادی می خواهد، نوشتن و خواندن به زبان مادری خود را می خواهد، در عین حال، به تمامیت ارضی ایران احترام قائل است.

تاریخ شاهد این مدعا است که ستارخان، ضربه مهلکی به استبداد مطلقه وارد آورد. خیابانی شهید شد، اما از کرده قانونی خود نادم نشد. پیشه وری برای آذربایجان آزادی آورد و حکومت خودمختار تشکیل داد. همه اینها، خواستهای ملتی است که فرزندان صادق آنها، یعنی عباس لسانی ها، به زندان می روند تا به حق قانونی خود دست یابند و حتما دست خواهند یافت.

نام پر افتخار مبارزین آذربایجانی جاوید است و نام لسانی ها نیز در تاریخ زنده و ماندگار.

امیرعلی لاهرودی

عباس لسانی مبارز آزادیخواه و هویت طلب بعد از ۳ سال در زندان اردبیل و تحمل شکنجه روحی و جسمی، از زادگاه خود به یزد فرستاده شد تا بقیه مدت زندانی خود را در زندان این شهر بگذارند.

عباس لسانی از زمره آن هویت طلبان آذربایجانی است که برای دست یابی به حقوق ملی و انسانی خود مبارزه می کنند و در این راه، مورد آزار و اذیت قرار میگیرند، دستگیر و زندانی میشوند.

عباس لسانی مرد مبارزی است که با اراده آهنین، راه خود را ادامه میدهد. بدین سبب، شهرت جهانی پیدا کرده است. تصادفی نیست که بخش فارسی رادیو B. B. C، در برنامه ۱۱ مارس خود، از او بعنوان مبارزه هویت طلب یاد کرد و اعلام نمود که همه مبارزین هویت طلب آذربایجانی را که در زندان بسر می برند، به زندانهای در نقاط دیگر ایران منتقل کرده و در زندانهای دور از آذربایجان نگهداری خواهند کرد.

این، اولین بار نیست که آزادیخواهان آذربایجان از زادگاه خود تبعید می شوند و در نقاط بد آب و هوای جنوب زندانی می گردند و یا به سکونت اجباری وادار می شوند.

انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ حق خواندن و نوشتن، انتشار کتاب و روزنامه به زبان آذربایجان را به رسمیت شناخت. سالهای بعد از انقلاب، مردم آذربایجان، به خصوص روشنفکران و روزنامه نگاران آذربایجان از حق قانونی خود استفاده کردند و به ترویج زبان مادری خود همت گماشتند و بدین طریق، باب تفاهم میان ملت و دولت، میان ترکها و فارسها باز گردید. اما با گذشت زمان، عظمت طلبان ضد مسائل ملی، با تحکیم مواضع خود در قدرت، بتدریج محدودیت هائی بر علیه نشریات آذربایجان بوجود

### ادامه زبان ترکی آذربایجانی

... بطور مثال در دربار سلطان محمود غزنوی، پانصد نفر شاعر زبردست فارسی زبان حضور داشتند. سلطان مسعود، خود نیز به فارسی شعر می سرود.

در تمام دوران تاریخ هزار ساله ایران بعد از اسلام، زبان رسمی کشور، زبان فارسی بوده است. دوران تسلط مغول نیز از این قاعده استثناء نمی باشد. بنابراین، این ادعا که مغولان زبان آذری باستان را از بین برده و زبان ترکی آذری فعلی را جایگزین آن کرده اند، امکان پذیر نیست. زبان ترکی آذربایجانی، فقط مدت کوتاهی در زمان صفویان مورد توجه حکام قرار گرفته است. در این زمان است که، شاعران بزرگی مانند فصولی، به عرصه ادبیات پا گذاشتند.

در این دوران زبان فارسی حتی از مرزهای جغرافیائی و سیاسی ایران فراتر رفته و در بعضی از دربارهای آسیای میانه و امپراطوری عثمانی رایج گشته است. در اقصاء نقاط، شاعران بزرگی اشعار خود را به این زبان سرودند. بنابراین، زبان فارسی نمی توانست مغلوب زبان ترکی آذربایجانی گردد. بویژه، بواسطه مغولانی که حتی زبان مکتوب نداشتند.

ادامه در صفحه ۳

## ۶۲ سال در سنگر مبارزه

ارتش سرخ در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ از ایران خارج شد حکومت ملی آذربایجان ۸ ماه بعد از ترک ارتش سرخ از ایران، هنوز برقرار بود کره زمین، در اثر نبرد و مبارزه بوجود آمده و تا به امروز نیز صحنه نبرد و مبارزه می باشد.

در آغاز نبرد میان طبیعت بود. بعد از پیدایش انسان، نبرد میان انسانها آغاز گردید. گروهی از انسانها، انسانهای دیگر را غارت کرده از میان می برند تا، خود بهتر زندگی کنند. انسان امروز هم به همین سرنوشت دچار است. ایرانیان نیز از این قاعده مستثنی نبوده به دو جبهه تقسیم شده اند. ۱- جبهه خلق: کارگران- دهقانان- زحمتکشان. ۲- جبهه سرمایه داران: غارت گران- استعمار- استبداد. سازمانهای سیاسی ایران نیز یا طرفدار منافع حاکمان، سرمایه داران- غارتگران و یا طرفدار منافع کارگران، دهقانان- زحمتکشان و توده های مردم هستند. نبرد میان این دو جبهه همچنان ادامه دارد.

... چندی پیش در تاریخ ۱۱-۱۲-۲۰۰۷ "بیانیه ای" در نشریه اینترنتی "ایران امروز" با امضاء شورای عالی جبهه ملی ایران- در اروپا، به مناسبت سالروز تاسیس «حکومت ملی آذربایجان» به رهبری پیشه وری کبیر به چاپ رسیده بود که در آن سعی شده بود با تحریف و دروغ- دشنام و توهین- واقعیت های تاریخی و ارونه جلوه داده شود، نسل جوان ایران را گمراه کرده افکار ارتجاعی خود را به خواننده القاء بکنند. در ابتدا، توجه شما را به موضعگیری (شورای عالی جبهه ملی ایران- در ایران- و نه در اروپا) مورخ ۱۸ آذر سال ۱۳۲۴ مندرجه در روزنامه نجات ایران در مورد جنبش ۲۱ آذر جلب میکنیم. «...آری تاریخ تکرار میشود. این بار سوم است که برادران آذربایجانی ما برای کمک به آزادی و دمکراسی ایران اقدام می نمایند... همانطور که در تقاضا و تلگراف های بی شماری که از نواحی مختلف کشور ارسال گردیده خاطر نشان میگردد حقوقی که آذربایجان می طلبد درست از نوع همان اصلاحاتی است که افکار عمومی ایران خواستار آن است...» دکتر محمد مصدق رهبر جبهه ملی ایران در مورد جنبش ۲۱ آذر چنین میگفت: «...خلق آذربایجان باید بدانند نه این مجلس و نه این دولت درد آنها را علاج نخواهد کرد و درست به همین علت، امروز خلق آذربایجان بپا خواسته است...» البته این را باید متذکر شد که جبهه ملی ایران از همان بدو تاسیس خود چهره ای نا همگون داشته و امپریالیسم و ارتجاع از همان بدو تاسیس این سازمان عوامل و عناصر خود را در این سازمان جاسازی کرده که این خود یکی از علل اصلی شکست حکومت ملی دکتر محمد مصدق در آن سالها بود. (نگاه کنید به کتاب تاریخچه جبهه ملی ایران نوشته احمد ملکی مدیر روزنامه ستاره و یکی از موسسین اولیه جبهه ملی ایران - نامبرده این کتاب را پس از کودتای ۲۸ مرداد به شاه خائن و زاهدی تقدیم کرده است. طبق اسناد و مدارک منتشر شده، در میان ۱۹ نفر از موسسین اولیه جبهه ملی ایران افراد زیر جاسوس و نوکران

سینه چاک امپریالیست های آمریکا و انگلیس بودند که با پشتیبانی میر اشرافی مدیر روزنامه (آتش) جلسات مشترکی با جاسوسان سفارتخانه های آمریکا و انگلیس در منزلش تشکیل میداد که نامبردگان زیر در آن جلسه شرکت میکردند. مظفر بقایی- حسین مکی- حائری زاده- عبدالقدیر آزاد- عباس خلیلی- عمیدی نوری- احمد ملکی- جلالی نایینی- و ارسلان خلعتبری ... و اما بیانیه شورای عالی جبهه ملی ایران- در اروپا را (که از همان اول با عوام فریبی شروع می شود) با هم می خوانیم: «هموطنان ... (یعنی از همین اول میخواهند به خواننده القاء بکنند که ما با شما هموطن هستیم و به حرف ما به عنوان یک خودی گوش کنید.) ادامه ... شصت و دو سال پیش در ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ گروهی که خود را فرقه دمکرات آذربایجان می نامیدند (بنیان گذاران فرقه دمکرات آذربایجان ایران را در همین اول بیانیه از مردم آذربایجان جدا می کنند و آنها را گروهی مینامند) ادامه ... با کمک نیروی نظامی شوروی، ارتش و دیگر نیروهای ایران را در آذربایجان خلع سلاح کرده و حکومت خود مختار آذربایجان را در تبریز- به ریاست- محمد جعفر پیشه وری اعلام نمودند». عجب !!! ۶۲ سال پیش ماهیت فرقه را مردم آذربایجان شناختند و در صفوف آن بر علیه شاه، آمریکا، قوام و ..... جنگیدند و جان خود را نیز فدا کردند اینک عده ای ناشناس ساکن اروپا پس از گذشت ۶۲ سال می خواهند به نسل جوان ایران این دروغ را القا بکنند که پدران و مادران مبارز شما از ماهیت فرقه شناخت درستی نداشته، بیانیه ۱۲ شهریور را نمی شناختند و بدون هیچ دلیلی، به دنبال گروهی راه افتادند و بیخودی خودشان را به کشتن دادند. نویسندگان این بیانیه انسانهایی بسیار مغرض، بی سواد و بی اطلاع از تاریخ ایران هستند. اینها بقدری از تاریخ ایران بی اطلاع هستند که حتی نام پیشه وری کبیر را (سید جعفر جوادزاده خلخالی- پیشه وری) به اشتباه محمد جعفر پیشه وری ذکر می کنند. ادامه ... درست یک سال بعد پس از تدبیر سیاستمداران میهن دوست ایرانی و اخطار آمریکا به شوروی مبنی بر رعایت تاریخ ترک نیروهای ارتش سرخ از ایران ارتش روسیه شوروی آذربایجان را ترک کرد و سپس این حکومت ساقط شد. به! به! ... بنام به قدرت آمریکا. آمریکا به شوروی اخطار داد و شوروی هم از این اخطار ترسیده کاسه کوزه خود را جمع کرد و در رفت... چرا نمی نویسند درست یک سال بعد پس از تدبیر سیاستمداران آمریکا و انگلیس، قوام که با حکومت ملی به توافق رسیده بود. شاه - قوام- حکیمی- نجم- رزم آرا- مظفر فیروز را سیاستمداران میهن دوست ایرانی می نامند- مردم ایران، خلق آذربایجان، پیشه وری و فرقه دمکرات آذربایجان را یک گروهی..

## ادامه ۶۲ سال در سنگر مبارزه

امروزه از شاه و قوام با عنوان سیاستمداران میهن دوست یادکردن حماقت شجاعانه ای می خواهد که فقط از عهده ی این حضرات بر میآید. سالها پیش دولت مائوئیستی چین نیز از دولت شاه به عنوان دولتی مستقل و ملی نام می برد. این حضرات از تدبیر سیاستمداران میهن دوست، وطن پرست ایرانی یاد می کنند، نکند منظورشان مستقل و ملی است اما خجالت می کشند این را با صراحت بگویند؟! ادامه ... مردم آذربایجان کوچکترین سهمی در این امر نداشته وظیفه اجرایی تعویض قدرت را بیشتر نیروهایی بعهدده داشته اندکه (مهاجرین قفقازی) نامیده می شدند و هویت سیاسی روشنی نداشتند. در آن سالها خلیل ملکی تبریزی- این عنصر مرتد انگلیسی- آمریکایی، هموطنان زحمتکش و شریف ما را (که بخاطر فقر اقتصادی در ایران برای پیدا کردن لقمه نانی به آن سوی ارس رفته و بعد به وطنشان برگشته در صفوف فرقه بر علیه ظلم و ستم می جنگیدند) مهاجرین تجزیه طلب که روسی را بهتر از آذربایجانی حرف میزنند می نامید و اینها بودند مهاجرین قفقازی بدون هویت سیاسی روشن. عجب شباهتی؟ آیا این شباهت تصادفیست؟ اینها از اصلاح گران اجتماعی نام میبرند. (آیا منظورشان خلیل ملکی انگلیسی- آمریکایی مرتد و شرکایش است؟) تاریخ نشان داده است که آذربایجانیها وطن پرست ترین- وطن دوست ترین- مبارزترین- فداکارترین ایرانیها در کنار دیگر هموطنان ایرانی خود هستند. باید از نویسندگان این بیانیه پرسید آیا اینها و زن و بچه هایشان خود را ایرانی می دانند؟ آیا زن و بچه های اینها اصلا فارسی میدانند؟ آیا زن و بچه های اینها می دانند ایران در کجای کره زمین قرار گرفته است؟ آیا اینها اصلا پاسپورتشان ایرانی است که به خود اجازه صحبت در مورد مهاجرین قفقازی را می دهند؟ مهاجرین قفقازی و فرزندانشان خود را ایرانی می دانستند به ایران برگشته بر علیه ستم و بیگانگان مبارزه کرده و تعداد زیادی از آنها نیز در راه آزادی ایران ( ایران ما، نه ایران نویسندگان این بیانیه) جان باختند. ادامه... ملت ایران بیش از ۲۸ سال است که در چنگال حکومتی مرتجع و مستبد اسیر است و بیش از نیمی از ایرانیان در خط فقر و زیر آن زندگی میکنند. باید از اینها پرسید: آیا این حضرات حاضرند برای مبارزه (همچون مهاجرین قفقازی سالهای ۱۳۲۴/۱۳۲۵) به ایران برگردند و آنطورکه خود ادعا می کنند بر علیه ظلم و ستم موجود در ایران مبارزه بکنند؟ یا اینکه باز منتظرند مثل آن سالها آذربایجانیها جلو افتاده با شعار یاشاسین آذربایجان دمکرات فیرقه سی، آذربایجان خالقین حقیقی و یگانه رهبری، ایران را آزاد کنند و آنگاه به این مهاجرین مجهول الهویه خوش نشین شورای عالی جبهه ملی ایران - در اروپا دعوتنامه بفرستند که همه چیز آماده است لطفا قدم رنجه فرموده به ایران تشریف آورده زمام امور را مثل هم کیشان خود در ۶۲ سال پیش بدست گرفته و این بار شما خون رنگین فداییان فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان

ایران را با تهمت بی شرمانه مهاجرین قفقازی بدون هویت سیاسی روشن بریزید تا امواج خروشان سیاه نفت ایران به سوی کشورهای سرمایه داری غرب سرازیر شود. برآستی این موجودات زنده که بیش از ۴۰-۵۰ سال است که در آغوش اربابان خود در اروپا و آمریکا نشست، و از ایران و مردم ایران دیگر هیچ اثر و نشانی در اینها باقی نمانده شهروند کدام کشورند که با عوام فریبی اینطور بیرحمانه و بی شرمانه به (هموطنان ما، نه اینها) توهین می کنند و آنها را «مهاجرین قفقازی بدون هویت سیاسی روشن» مینامند؟ لابد به نظر اینها برای بدست آوردن تکه نانی بعلت فقر اقتصادی در ایران آن زمان به قفقاز رفتن شرم است و عار اما، در کشورهای سرمایه داری غرب خوش نشین شدن خوب است و افتخار ... شاید نارضایتی اینها از مهاجرین قفقازی این است که چرا آنها از آمریکا - انگلیس و سیستم سرمایه داری طرفداری نکردند؟ شاید اینها طرفدار آمریکا و انگلیس و منافع آنها در ایران هستند و خجالت می کشند این را آشکارا اعلام کنند؟ ادامه ... نیروهای ارتش روسیه شوروی آذربایجان را ترک کرد، و سپس این حکومت ساقط شد... این یک دروغ تاریخی است. حکومت ملی آذربایجان ۸ ماه بعد از ترک ارتش سرخ از ایران، هنوز برقرار بود. (ارتش سرخ در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ از ایران خارج شد.) اینها با این دروغ میخوانند به نسل جوان بقبولانند که «میلی حکومت» ساخته و پرداخته شوروی بوده و مردم ایران- خلق آذربایجان هیچ نقشی در این کار نداشته و مبارزات مردم ایران را برای بدست آوردن استقلال- آزادی- عدالت اجتماعی و... هیچ و پوچ کنند و بگویند که این حکومت به خارج تکیه داشته و با رفتن ارتش سرخ از ایران نتوانست دوام بیاورد و ساقط شد. در این بیانیه مودبیانه و ناشیانه سعی شده است (با عباراتی از قبیل نیروهای نظامی شوروی- نیروهای ارتش سرخ- ارتش روسیه شوروی- ارتش و حکومت وقت شوروی و...) ماهیت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و ارتش سرخ را مخدوش کند و در ذهن خواننده دولت و ارتش روسیه امپریالیستی تزاری - (که نام آن در ذهن ایرانیها، قراردادهای ننگین ترکمنچای و گلستان را تداعی میکند) با اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و ارتش سرخ، در یک سطح قرار داده شده و اینطور نشان داده شود که هر دوی این سیستمها یکی بودند. در اینجا بد نیست قسمت کوتاهی از نطق دکتر محمد مصدق را (در جلسه ۲۸ آذر سال ۱۳۲۴) محض یاد آوری برای شاگردان ناخلف آن مبارز ملی ذکر کنیم «... من وقتی از زندان آزاد شدم که دولت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در صحنه سیاست ایران دخالت کرد... چنانکه من در گذشته دیده ام اگر اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی از صحنه سیاست بین المللی ما غایب شود برای ما در هوای آزاد هم تنفس دشوار خواهد بود».

## ادامه ۶۲ سال در سنگر مبارزه

## زبان ترکی آذربایجانی (۲)

تاریخ نویسی رسمی ایران در زمان سلطنت پهلویها و همچنین در زمان جمهوری اسلامی ایران بر این نظر است که، زبان ترکی آذربایجانی در زمان سلطه مغولها شکل گرفته و زبان آذری باستانی را از بین برده است.

اینکه زبان ترکی آذربایجانی از ابتدای پیدایش خود در این سرزمین به شکل، غنا، صراحت و قواعد امروزی نبوده است بر همگان معلوم است، یعنی به مرور زمان، صیقل یافته و کلمات زیادی از بین رفته و کلمات نوینی جایگزین آن شده است. اصطلاحات جدید در آن متداول گشته است. اما اینکه در زمان تسلط مغولان در ایران زمین زبان آذری باستانی به حیات خود خاتمه داده و زبان دیگری جایگزین آن شده است، کاملاً نادرست می باشد.

اصلاً زبان آذری باستانی به چه زبانی گفته می شود و این زبان به چه شکل و فرمی بوده است؟ پیروان این نظریه که وجود جزایر تات نشین و تالش نشین در سرزمین آذربایجان را دلیل ادعای خود میدانند، باید فرم و شکل زبان آذری باستان را نیز مشخص کنند. وانگهی، اگر این دلیل کافی و قانع کننده باشد، پس جزایر ترک نشین در سایر نقاط ایران نیز می تواند ادعای همسان آن باشد.

این جزایر تات نشین و تالش نشین و سایر چگونه بوجود آمده اند، هر کدام تاریخ مفصل خود را دارند، یعنی همه آنها دارای سرنوشت مشابه نبوده اند. برای مثال، «داغلی»ها را در نظر بگیریم. «داغلی» یعنی کسانی که داغ گذاشته شده اند. این گروه که به لهجه فارسی قدیم تکلم می کنند، در برخی شهرها و روستاهای جمهوری آذربایجان پراکنده اند. زبان، فرهنگ و مدنیت خود را تا حدودی دست نخورده نگه داشته اند. این گروه چنانکه از منابع تاریخی بر می آید، ایل و طوایف برآمده بودند و بعد از مورد غضب قرار گرفتن برآمده، به این سرزمین تبعید گشته اند و برای شناخته شدن در میان اهالی بومی، داغ گذاشته شده اند و به همین سبب، در میان مردم بومی «داغلی» نام گرفته اند. «داغلی = داغ گذاشته شده».

منشاء دیگر پیدایش این جزایر در این آب و خاک، دلیل استراتژیک و ژئوپولیتیک دارد. یعنی شاهنشاهان، بعد از لشکرکشی و کشورگشائی، نیروهای وفادار به خود را در نقاط استراتژیک اسکان داده اند.

دویست سال بعد از حمله اعراب به ایران، قبایل مختلف ترکها به آسیای میانه به سرزمین ایران حمله ور شدند و به تسلط اعراب بر ایران خاتمه داده، سلسله های بزرگ و مختلفی را تشکیل دادند. این روند تا تسلط پهلویها در ایران ادامه داشت. اما، همه این سلسله ها زبان فارسی را بعنوان زبان رسمی و دولتی پذیرفتند. مدیحه گوینان دربارهای سلاطین ترک غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی و غیره، شاعران فارس زبان بودند.

ادامه در صفحه ۵

درصفوف ارتش سرخ (قیزیل اردو) کشوری که بعد از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ یعنی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بوجود آمد مبارزینی از تمام کشورهای جهان متشکل شده بودند که برای نجات بشریت از دست سیستم ضد انسانی سرمایه داری یکپارچه و متحد بر علیه آن می جنگیدند. طبق اسناد و مدارک موجود ارتش سرخ از روز اول با تاریخ مشخص تا تاریخ مشخص وارد ایران شده پس از به سر آمدن این تاریخ- ایران را ترک کرد. رفتن ارتش سرخ از ایران بخاطر **اخطار آمریکا به شوروی** نبود. اما آمریکایی جنایتکار با خریدن دربار پهلوی- قوام- و دیگر وطن فروشان این مسئله را مودیان به سازمان ملل متحد کشاند تا پدیده حکومت ملی را یک موضوع بین المللی نشان دهد و پای خود را مستقیماً به این مسئله باز کرده تا بتواند در ایران باقی بماند و جنایاتی را مرتکب شود که باید آن را **جنایت علیه بشریت** نامید. و اما بازگشت نیروهای ارتش ایران و... یعنی فداییان فرقه- مردم آذربایجان- ایرانیان مترقی و... نیروهای ایرانی نبودند و برای کنترل کردن آذربایجان حتماً باید از تهران نیرو می آمد. این یک **توهین** است به خلق آذربایجان با دو، سه، جمله کل جریان سرکوب و سرنگونی حکومت ملی را سرهم آورده و انمود میکنند که رشته امور از هم گسسته بود و ماموران ایرانی از تهران آمدند و «**میلی حکومت**» را ساقط کردند و اوضاع را در آذربایجان که به نظر اربابان اینها (آمریکا- انگلیس) **ناآرام بود آرام**. خیلی عجیب است! اینها یا کورند و یا خود را به کوری میزنند! آرامشی که در این یک سال در آذربایجان برقرار بود در تاریخ ایران بی سابقه بود. حکومت ملی در این یک سال، آموزش زبان مادری نه فقط آذربایجانیها، بلکه آموزش زبان مادری سایر اقلیتها را نیز که در آذربایجان زندگی می کردند مهیا کرد. دهقانان صاحب زمین شدند. کارگران کار پیدا کردند. دانشگاه تبریز تاسیس شد. ارکستر فیلارمونیک بوجود آمد. ۷۵٪ ثروت آذربایجان که تا آن زمان معلوم نبود به کجا میرود صرف خود آذربایجان شد. زنان حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را پیدا کردند و... همه اینها به قول این حضرات بیخود بود و اوضاع در آذربایجان مغشوش. ماموران ایرانی از تهران آمدند و با کمک خلبانان آمریکایی با کمک ژنرال ریڈلی و ژنرال شوارتسکیف آمریکایی، با اسلحه - توپ - هواپیماهای مدرن جنگی - و تانکهای مدرن آمریکایی، چنان جنایاتی آفریدند که ریشه این مبارزات، ریشه این عدالت خواهی از ایران کنده شود تا ایرانی دیگر به فکر انقلاب و مبارزه نیافتند. طبق اسناد موجود حدود ۲۵۰۰۰ نفر در این نسل کشی به دست ارتش شاهنشاهی و همکاران آمریکایی شان به قتل رسیدند. ۱۰۰۰۰۰ تن به جاهای بد آب و هوای ایران که حتی مار هم در آنجا به زور زنده میماند تبعید شدند. ده ها هزار نفر مجبور به ترک ایران شدند. درکشورهای سرمایه داری غرب جنایاتی شبیه به این جنایات را **خلق کشی** یا **جنایت علیه بشریت** می نامند. آیا پرونده این خلق کشی روزی باز خواهد شد؟

## بیاپید به خود آیم و خودمان باشیم

کوچکترین توجهی به مطالبات آنان ندارد و کمترین ارزشی برای خواسته های آنان قائل نیست و حتی با اعمال سیاست هایی در صدد تضعیف هویت، فرهنگ، اقتصاد و... آذربایجان و غالب ساختن فرهنگ بیگانه بر آن ها می باشد و با نامید شدن از بر آورده ساختن مطالبات خویش از سوی مقامات ارشد نظام و دولت، با برگزاری سالانه ی همایش مردمی قلعه ی بابک در کلپبر ترنندی جهت توجه مجامع جهانی به ظلم های وارده بر آنان و اعلام خواسته های بحق خویش در مقیاس جهانی اندیشیدند که بعد از چندین سال این همایش به صحنه ی عظیم هویت طلبی ترکها تبدیل گشت و حکومت بار دیگر به جای پرداختن به حقوق بدیهی ملت اقدام به سرکوب شدید این حرکت ها کرد که دستگیری های گسترده ی فعالان ملی آذربایجان را در پی داشت ولی نتوانست از عزم ملت در ادامه ی حرکت خویش بکاهد.

### باریش زنگانلی

در روزهای اخیر اخبار حیرت آور زیادی می شنویم که برای افراد جامعه غیر قابل تحمل شده است. سرکوب اعتراضات به حق و مدنی کارگران، زنان، معلمین و دانشجویان در سراسر این مرز و بوم رنگ و بوی شدید تری بر خود گرفته است و در این میان سرکوب فعالان قومی و هویت طلبان وارد مرحله ی جدید تری شده است. خواسته های هویت طلبان که شامل رفع مطالبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از مناطق غیر فارس کشور، به رسمیت شناختن مطالبات ملل غیر فارس و... می باشد در سال های اخیر به دلیل نا امید شدن از حاکمان در بر آورده کردن این مطالبات، به صورت خواسته های ملی تبدیل گشته و در قالب اعتراضات مردمی در شهر ها و مناطق مختلف بروز پیدا کرده است. در این میان مبارزات ملی ترکها و ملت آذربایجان به جهت جمعیت زیاد آن در کشور و نفوذ آنان در بدنه ی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور بویژه بعد از اهانت صریح دولت در نشریه ی ایران به ترک ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ملت آذربایجان زمانی که متوجه شدند حاکمیت

### مهاجرته آذربایجان دمکرات فرقه سی... داوامی

بلکه لیک ده ۱۹۶۰ - نجی ایله اوگوست آئیندا کنجیریلن وحدت کنفرانسی گله جک مبارزه نین محکم لنمه سینی نظره آلاق واحد پارتیانین ترکیبده آذربایجان و کردستان دمکرات فرقه آدلارینین و مرکزی کمیته لرینین ساخنلماسینی اوز مرانامه سینده قید اتمیشدیر. آذربایجان دمکرات فرقه سی، وحدت کنفرانسینین قرارلارینی حیاتا کنجیرمک و حزب توده ایرانین آذربایجان تشکیلاتی کیمی، اونون محکم لنمه سی یولوندا قارشیسینا قویولان بوتون وظیفه لری اجرا اتمیشدیر. لاکن سووت دولتی و سوسیالیست جبهه سینین داغیلماسیله علاقه دار، بوتون دنیادا انقلابی قوه لرین ایچریسینده بوشلوق یارانمیش، امپریالیزم و ارتجاع طرفیندن انقلابی تشکیلاتلارا، خصوصیه سول قوه لره قارشی چوخ ساحه لی، هجوملار حاضرلانیمیش، حاضرلانیلر و حیاتا کنجیریلر. حتی، بیر چوخ اولکه لرده ملی آزادلیق اوغروندا مبارزه آپاران، خصوصیه آزلیقدا اولان خالقلارا، اوز ملی حقوقلارینی الده ائتمک اوچون آپاردیققلاری اولوم - دیریم مبارزه لرینه ترورچولوق دامغاسی ویریلماسینا چالیشیولار. بو یئنی متد، ارتجاع و امپریالیزمین یئنی پلانتلاریدیر. انقلابی قوه لره قارشی، دنیا دا باش وئرن ارتجاعین هجوملار ایله علاقه دار، ایراندا انقلابی قوه لرین آراسیندا علاقه لر ضعیف لمیش، اونلارین مبارزه به دوزگون رهبرلیک ائتمه لری و شرایطه اویغون بیرلیک یاراتمالاری چتین لشمیشدیر. علاقه لرین ضعیف اولماسی، ارتجاعین قاتلی هجوملاری، دنیا امپریالیزمین انقلابی حرکتلارا قارشی بیرلشمه لری، خصوصیه، ایراندا واحد جبهه دن انقلابی مبارزه په رهبرلیک اندیلیمه سی چتین لشمیشدیر. بوتون بونلاری نظره آلان آذربایجان دمکرات فرقه سی، ۱۹۷۶ - نجی ایله اوز پلاتفورماسی حاضرلانیب تصدیق ائتمیش و فرقه عضولری آراسیندا یابمیشدیر. اوزون ایللردیر که، آذربایجان دمکرات فرقه سی حزب توده ایرانلا علاقه سیز و مستقل صورتده، اوز ایشلرینی آپاریر. قارشیدا دوران اساس وظیفه ایراندا دموکراتیک فدرال بیر دولتین یارانماسی، اونون ترکیبده آذربایجان خالقینا دا فدرال حقوقلارین وئریمه سی اوغروندا مبارزه آپارماقدیر. آذربایجان دمکرات فرقه سی، ایرانین پارچالانماسی علیه دیر و ایراندان آیریلماق تاکتیکاسینی قارشیسینا قویمامیشدیر. بو یولدا، ایراندا و آذربایجاندا فعالیت اندن بوتون سیاسی تشکیلاتلارین و گروپلارین ایراندا فدراتیو بیر قورلوشون یارانماسی، بوتون آزلیقدا قالان خالقلارین ملی مقدرات حقوقلارینین الده اندیلیمه سی یولوندا آپاریلان مبارزه ده غلبه قازانماق اوچون واحد بیر جبهه ده بیرلشمه ین ضرورتینی درک ائتملی دیرلر. آذربایجان دمکرات فرقه سی، قارشیسیندا قویولان مرانامه و نظامنامه سیله آذربایجان خالقینین تعیین مقدرات حقوقلارینین الده اندیلیمه سی اوغروندا مبارزه سینی داوام ائتدیریر. بونونلا علاقه دار ۱۹۹۰ - نجی ایله کنجیریلن آذربایجان دمکرات فرقه سی مرکزی کمیته سینین ۹ - نجو کنفرانسینین قرار ی آساسیندا حزب توده ایرانین پارتیا بلیط لری دئیشدیریلیب ۱۹۴۵ - نجی ایله آذربایجان دمکرات فرقه سینین قبول ائتدیگی فرقه بلیطریله عوض اندیلیمیشدیر. بنله لیکله ده ۱۹۹۰ - نجی ایلدن آذربایجان دمکرات فرقه سی مستقل صورتده اوز مبارزه سینی داوام ائتدیریر. آذربایجان دمکرات فرقه سی مرکزی کمیته سی و اونون اجراییه هیئتینی نین سندلرینده، فرقه بلیط لری یالنیز آذربایجان دمکرات فرقه سینین بلیط لری آدلانیر. عین زماندا، فرقه بلیط لرین آراسیندا قید اندیلیمیشدیر که، بلط ۱۹۴۵ - نجی ایله تبریزده یارانمیشدیر. ائله جه ده فرقه نین نظامنامه سینده ده دئیشیک لیک آپاریلماسی نظرده توتولموشدور.

### اردبیلی لطفعلی (فلکی)

## ایران و جهان در سالی که گذشت

- سالی دیگر به تاریخ پیوست و جهان یک سال پیرتر شد. بسیاری زاده شدند و بسیاری نیز در خاک رفتند. با این همه، امید و آرزوها، شکست و ناکامیها کما فی السابق، همچنان به مبارزه و مسابقه بی پایان در میان خویش ادامه می دهند. انسان، بنا به ماهیت و خصلت ذاتی خویش، مغرور و تسلیم ناپذیر، برای گریز از ناملایمات و ناگواریهای زندگی، برای اظهار وجود و نشان دادن جوهره اصلی خویش، به مبارزه امیدوارانه برای بهبود شرایط زندگی خویش ادامه می دهد.
- از نوروز تا نوروز، سیصد و شصت و پنج روز می گذرد. سالی متلاطم با تمام هنجاریها و ناهنجاریهایش به پایان خود می رسد. بی شک، هر فرودی آغازیست برای صعود و هر غروبی نشانیست از طلوع دوباره. هر پایانی بخودی خود سرآغاز است و پایان هر سالی، آغازیست برای سال تازه و روز نو. آغازها، بدون استثناء، همیشه با شادی و امید، با امید به آینده بهتر آغاز می شود. از همین رو، ما نیز همراه مردم خویش، با سرور و شادی به استقبال نوروز، پایان یک سال و سرآغاز سال تازه می رویم، این روز را جشن می گیریم. نوروز عید است، عید نوزائی و امید، عید تازگیها و شادیها، و در این عید، بهترینها را به همه انسانها، به هموطنان خویش آرزو می کنیم.
- ما رهروان راه عدالت و جویندگان حقیقت، ما مخالفان ایستائی و سکون، ما پیروان ایدئولوژی و اندیشه سیال و خلاق، که در پی ساختن دنیای عاری از ظلم و ستم، در آغاز سال نو، در روز نو، دیگر بار برای بشریت غلتانده شده به آغوش بی رحم فقیر و گرسنگی، برای بشریت محروم شده از آزادی و رفاه، بشریتی که تحت ستم سرمایه و سرمایه دار، با قامتی استوار در مقابل جباران و یکه تازان، ایستاده است، پیروزی آرزو می کنیم. باشد که در سال تازه، همه با هم، گامهای محکمتر و مطمئن تری برای احقاق حقوق پایمال شده خویش برداریم.
- سالی که روزهای پایانی آن را می گذرانیم، برای بشریت جهان بطور کلی و برای میهن و مردم ما، بویژه، سال پر هیجان و نگرانی افزائی بود. سال رو به پایان، با حوادث و رویدادهای تاریخی بسیاری به تاریخ می پیوندد. سال گذشته با حوادثی از قبیل؛
- تشکیل مجمع عمومی سازمان ملل متحد،
- تشکیل کنفرانس آنابولیس
- تداوم اشغالگری امپریالیسم و کشتار مردم و ویرانی کشورها، از جمله افغانستان، عراق، سومالی، سودان، پاکستان و...
- محاصره غزه و قطع آب، غذا، دارو، برق و غیره برای یک و نیم میلیون نفر مردم غزه،
- صدور دو قطعنامه شورای امنیت بر علیه ایران بخاطر عدم توقف غنی سازی اورانیوم،
- کناره گیری فیدل کاسترو، فرمانده کل انقلاب کوبا از قدرت سیاسی،
- سفر هشت روزه نا موفق جرج بوش، رئیس جمهوری امریکا به خاورمیانه، به منظور فروش سلاح و تشکیل ائتلاف ضد ایرانی،
- ترور بی نظیر بوتو، نخست وزیر پیشین پاکستان و مادر تنی گروه طالبان،
- پیشروی سرمایه داری نئولیبرالی در جهان و به تبع آن تسریع و گسترش خصوصی سازی شرکتها، اماکن و ابنیه باستانی، معادن و منابع طبیعی، راه آهن و غیره در ایران،
- دو بار دیدار و مذاکره ایران و آمریکا برای تبادل نظر و همکاری در زمینه تأمین امنیت عراق،
- انتشار گزارش ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا و بدنبال آن کاهش خطر حمله نظامی آمریکا به ایران،
- سفر احمدی نژاد به بغداد،
- سفر جرج بوش، به هشت کشور آفریقائی،
- انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در روسیه،
- اعطای استقلال به استان کوزوو در صربستان،
- افزایش تعداد اعدامها و تشدید فشار، اختناق و ستم سیاسی، صنفی، جنسی، ملی در ایران،
- سرکوبی جنبشهای برابری طلبانه زنان، آزادیخواهانه معلمان و دانشجویان، مطالبات صنفی کارگران و زحمتکشان در ایران،
- فشار بر فعالین حرکتهای و جنبشهای ملی
- اعلام جدائی پنج ایالت شمالی آمریکا از کشور ایالات متحده آمریکا،
- شروع مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری در آمریکا،
- پیروزی رهبر کمونیستهای قبرس در انتخابات ریاست جمهوری این کشور،
- برگزاری انتخابات پارلمانی و پیروزی محافظه کاران بنیادگرا در ایران،
- ورود ارتش ترکیه به شمال عراق و انجام عملیات نظامی بر علیه نیروهای «پ. ک. ک.»، به گذشته پیوست. همانطور که از این لیست حوادث سال پیش بر می آید، بشریت هنوز از دستیابی به حق و حقوق خویش فاصله بسیار دارد.
- چنانکه در بالا اشاره شد این سال برای کشور ما سالی بود درد آور. از یک طرف زیر فشار بین المللی و از طرف دیگر، تحت فشار آمریکا، کشور ما روز بروز در جهان منزوی شد. این تهدید و انزوا تأثیر خود را بروی اقتصاد گذاشته، منجر به فرار سرمایه از کشور شده و در نتیجه کشور ما با رکود اقتصادی و تورم رو در رو قرار گرفت. دستاورد سیاست افراطی دولت نهم در این سال، بحران اقتصادی برای کشور ما بود.
- امید است در سال نو تغییری در این سیاست دولت نهم ایجاد شود و کشور از این بلا خلاص یابد.

## مهاجرته آذربایجان دموکرات فرقه سی اؤز قورلوشونو دموکراتیک فورمادا قورویوب ساخلامیشدیر

۱۹۵۵- نجی ایلدن باشلا یاراق ایراندا واحد بیر پارتیانین یارانماسی مسئله سی میدانا گلیمیشدیر. بو حاقدا حزب توده ایرانین کاتیبلیگی طرفیندن آذربایجان دموکرات فرقه سینین مرکزی کمیته سینه مکتوب گوندرلیمیشدیر. همین مکتوبون مذاکره سی ایله علاقه دار ۱۹۵۹- نجو ایلین آوگوست آئیندا آذربایجان دموکرات فرقه سی مرکزی کمیته سینین پلنومو کچیرلیمیشدیر. پلنوم، ایراندا واحد بیر پارتیانین یارانماسی حقیقیدا، حزب توده ایرانین گوندردیگی مکتوبو مذاکره ائتمیش، بو حاقدا تدبیرلر گورولمه سی قراره آلمیشدیر.

عین زماندا پلنوم وحدتین یارانماسینین پروگراماسینی معین ائتمیش، دانیشقلارین آپاریلماسی اؤچون کومیساینین یارادیلماسی، واحد پارتیانین مرانامه و نظامنامه سینین یازیلماسی نی مرکزی کمیته نین اجراییه هیئتینه تاپشیرمیشدیر. مرکزی کمیته نین اجراییه هیئتی بیر نچه دفعه کومیسیا یاراتمیش و اجراییه هیئتی اوزو بیرباشا حزب توده ایرانین مرکزی کمیته سینین کاتیبلیگی ایله اجلاسار کچیرمیش، وحدتین یارانماسینین پریسیپلری، اونون مرانامه و نظامنامه لایحه سی گنیش مذاکره اولونموشدور. واحد پارتیانین مرانامه و نظامنامه سینین لایحه سی، آذربایجان دموکرات فرقه سینین حوزه لرینده، محلی تشکیلاتلارین کنفرانسلا ریندا و مرکزی کمیته نین پلنوم و آکتیو اجلاسلا ریندا مذاکره ائدلمیشدیر. فرقه آکتولرینین تکلیف لری اساسیندا مرانامه و نظامنامه سینین تکمیل لشمه سینه کمک ائتمیشدیر.

نهایت کومیساینین حاضرلادیگی لایحه و تکلیف لر آذربایجان دموکرات فرقه سینین ۳- نجو کنفرانسینین تصدیقینه آپاریلیمیشدیر.

۱۹۶۰- نجی ایلین فورال آئیندا کچیریلن فرقه نین ۳- نجو کنفرانسی واحد پارتیانین یارانماسی اؤچون کچیریله جک کنفرانسین مذاکره سینه آپاریلماق مرانامه و نظامنامه سینین لایحه سینین تصدیق ائتمیشدیر. عین زماندا فرقه نین ۳- کنفرانسی قید ائتمیشدیر که، شاهلیق رژیمینه قارشی اولکه ده باش وئرن بوتون صنیف لرین ناراضیلیغینی و مترقی قوه لرین واحد جبهه سینین تشکیل ائتمک ضرورتی میدانا گلیمیشدیر. حاضریدا، ایراندا خالقلا رین ملی استقلال و دموکراتیک قورولوش اوغروندا آپاریلان مبارزه سینین تشکیل ائتمک و اونو موفقیتله باشا چاتدیرماق اؤچون بوتون خالقلا رین بیرلیغینی یاراتماق ضرورتی یارانمیشدیر.

عین زماندا فرقه نین ۳- نجو کنفرانسی قید ائتمیشدیر که، واحد پارتیانین مرانامه و نظامنامه سی تصدیق ائدیلرکن، آذربایجان دموکرات فرقه سی نین یارانماسینین تاریخی ضرورتی نین مثبت اهمیتی قید ائدیلمه لی دیر. خصوصیه ۲۱ آذر حرکتی نین غلبه سی نتیجه سینده یارانمیش آذربایجان ملی حکومتی نین دموکراتیک تدبیرلرین حیاتا - کچیریلمه سی بوتون ایراندا انقلابی مبارزه یه بوراخدیگی انقلابی تأثیر، اؤز عکسینی تاپمالی دیر. اونا گوره ده واحد مرانامه و نظامنامه ده، آذربایجان و کردستان دموکرات فرقه لرینین وارلیغینی و مرکزی کمیته لرینی ساخلماق تکلیف لری قبول اولونموشدور. بوتون گله جک مبارزه یه و خالقی همین مبارزه لره جلب ائدیلمه سینده بویوک رولو اولایلیر.

هر بیر مترقی تشکیلات، خالقینا، اولکه سینه باغلی اولماسیله، شرایطه اویغون، خالقین اقتصاد، سیاسی و اجتماعی جهتدن منافع لرینی نظره آماقلا یاشانیر. خالقین منافعینه اویغون اؤز مرانامه و نظامنامه سینین، یارادیر.

آذربایجان دموکرات فرقه سی ده ۱۹۴۵- نجی ایلین سنتیابر آئیندا تصدیق ائدیگی مرانامه سینه صادق قالیمیشدیر. آذربایجان دموکرات فرقه سی ایرانین داخلینده، اونون اراضی بوتولولوگو یوزلمدان آذربایجان خالقینین ملی مقدراتینی حل ائتمک پریسیپ لرینی قارشی قویموشدور. اوزون ایللر، یعنی ۶۰ ایلدن اوزون ایللر مهاجرت حیاتی کچیرن آذربایجان دموکرات فرقه سی قورلوشوندا قارشی قویلان وظیفه لرده، اساس ساحه لرده دئییشیک لیک ائتمه میشدیر.

آذربایجان دموکرات فرقه سی مهاجرت دورونده ۴- دفعه مرانامه و نظامنامه سینین دئییشدیرمیش، یالیز شرایطه اویغون نظامنامه سینده بعضی دئییشیک لیک لر ائتمیشدیر. چونکی، مهاجرتده اولان فرقه عضولری آراسیندا، صینیقی جهته ن او قدرده فرق یوخ ایدی. مهاجرتده گلن آداملار، فرقه عضولری، فدائیلر، کندلی اوشاقلاریندان اولان ملی حکومتین قزیل باش آدلانان عسگرلری تشکیل ائتمیشدیر.

آذربایجان دموکرات فرقه سی صینیقی تشکیلات یوخ، بوتون آذربایجان خالقینین منافع لرینی مدافعه ائدن (شاهلیق رژیم) طرفیندن آذربایجانا آیری- سئچکیلیک موقعی توتان، خصوصیه آذربایجان دیلینین لغو ائدیلمه سی، آذربایجانین یئر آدلارینین دئییشدیرلمه سی، آذربایجان نین اینکشافینا فکر وئرلمه مه سی کیمی ان بویوک پریسیپ لرین قارشیسینا قویدوگو ملی مبارزه ایدی.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین رهبرلیگی آئیندا یارانمیش ملی حکومت آز بیر زماندا، بیر ایلیک فعالیت دورونده، قارشی قویلان وظیفه لر، خصوصیه آنا دیلینده تحصیل اوجاقلارینین یارانماسی، تبریز دولت دارالفنونون یارانماسی، یئر آدلارینین اوزونه قایتاریلماسی، آذربایجانین ثروتلرینین داشینیب آپاریلماسینین قارشیسینین آلینماسی، وئرگی قانونلارینین قایدایا سالینماسی، کندلیلر ایله تورپاق صاحب لری آراسیندا اولان وئرگیلرین قایدایا سالینماسی، شاه و وقف تورپاقلارینین، پولسوز اولراق کندلیلر آراسیندا بولونمه سی، قادیلار کیشیلر ایله برابر حقوقلارین وئرلمه سی، اجتماعی تشکیلاتلار - همکارلار اتفاقلارینین، قادیلار و جوانلار تشکیلاتلارینین یارانماسی، خصوصیه بوتون اهالی نین دولت ده اشتراک ائتمه لری اؤچون، ایالت، ولایت و کند انجمنلرینین یارانماسی، شهرلرین و یوللارینین آبادلاشدیریلماسی و سایره تدبیرلر چوخ سرعتله حیاتا کچیریلیمیشدیر. آذربایجان ملی حکومتینین حیاتا کچیریلکلری دموکراتیک تدبیرلرین نه اینکه تأثیری ایراندا، بوتون یاخین شرق اولکه لرینده یاشاییر.

اونا گوره ده مهاجرتده ۴- دفعه دئییشدیرلمیش آذربایجان دموکرات فرقه سینین مرانامه سی ۶۰ ایلدن چوخ وقت کچمیش اولسادا، اونا پریسیپال دئییشیک لیکلر اولمامیشدیر. لاکن فرقه نین نظامنامه سینده شرایطه اویغون اولراق، اونون حوزه لری، محلی کمیته لری و مرکزی کمیته سی نظامنامه اساسیندا اؤز فعالیت لرینی داوام ائتمیش، بویوک سوئیحه ده، بویوک انتظاملا، مهاجرتده ملی روحدا فرقه نین یاشاماسینا چالیشمیشدیر.

## ده میلیون کارگر مهاجر در روسیه

جمهوریها تبدیل گردیده اند. کارگران این جمهوریها برای یافتن کار، به روسیه مهاجرت می کنند، بار سنگین ترین و سخت ترین کارهای فیزیکی را تحمل می کنند، تا لقمه نانی برای زن و فرزندان خود دست و پا کنند.

تجزیه اتحاد شوروی و دموکراسی سوسیالیسم، ضربه ای مهلک و در عین حال غیر مترقبه، بر زندگی میلیونها انسان زحمتکش وارد آورد.

بدنبال همین تجزیه بود که ملت‌های غیرروس، به آرزوهای دیرینه خود، یعنی به استقلال ملی دست یافتند. اما خصلت ذاتی جامعه غیر سوسیالیستی، شهروندان این کشورها را به طبقات مرفه و فقیر تقسیم نمود. موسسات صنعتی از میان رفت. زمین در روستاها، در دست گروهی کوچک تمرکز یافت. اکثریت روستایان از تولیدات

کشاورزی کنار ماندند و به شهرهای بزرگ ( داخلی و خارجی) و بیشتر از همه به روسیه مهاجرت کردند و خلاء فقدان نیروی کار در روسیه را پر کردند و با تحقیر و آزار و اذیت پلیس و جوانان ناسیونالیست افراتی روبرو میشوند. روسیه دیروزی، مهد دوستی ملت‌ها محسوب می شد اما، روسیه امروزی، به مرکزی مبدل شده است که افراتیون نژادپرست، نسبت به انسانهای غیرروس با خصومت و خشونت برخورد می کنند و حتی از کشتن آنان ابا ندارند.

البته، مسئله تبعیض نژادی تنها به روسیه مربوط نیست، بلکه، در اروپا نیز ریشه ای تاریخی دارد. در آلمان خانه های ترکها را به آتش می کشند، پیر و جوان را زنده- زنده می سوزانند. آسیا و آفریقا قرن‌ها جزئی از مستعمرات اروپائیان بود. روحیه نژاد پرستی نیز از همین جا ناشی شده و می شود.

تا زمانی که عدالت اجتماعی در جامعه برقرار نشود، این وضع ادامه خواهد یافت.

امیرعلی لاهرودی

کشور پهناور شوروی ۱۸ سال است وجود خارجی ندارد. تکه پاره های آن در آسیای مرکزی، در قفقاز و در قسمت اروپایی مستقل شدند. روسیه در داخل سرحدات جدید، یکی از این کشورهاست که، دوران سردرگمی را پشت سر می گذارد و با اتکاء به درآمد عظیم نفت و گاز، بر رکود اقتصادی فایق می آید.

از میان کشورهای جدید الاستقلال، بلاروس با تکیه

به نیروی خویش به وضع اجتماعی و اقتصادی خود سر و سامان داده، در راه رشد و تعالی قرار گرفته است. کشورهای نفت خیز آسیای مرکزی، قزاقستان و قفقاز نیز راه پیشرفت را می پیمایند. کشورهایی که دارای منابع طبیعی نیستند با وضع دشوار اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند. در کشورهای سرمایه داری، بویژه در کشورهای نو استقلال مشکل بیکاری حل نشدنی است.

روسیه در میان جمهوریهای سابق شوروی از لحاظ منابع طبیعی، ثروتمندترین آنهاست و آمادگی دارد نیروی فعال و جوان این کشورها، بویژه، نیروی فعال کشورهای فقیر را جذب کند و بشکلی هم جذب میکند. جذب کارگر مهاجر از لحاظ دیگری نیز برای روسیه اهمیت حیاتی دارد. چون مرگ و میر در روسیه بخصوص در میان ملت روس، بالاتر از زاد و ولد است و حد متوسط زندگی در عین حال پائین تر از شصت سال را تشکیل میدهد. بنابراین، جلب و جذب کارگران مهاجر، جزئی از ضروریات است. بر طبق آمار، اکنون در سراسر روسیه بیش از ده میلیون مهاجر، از جمله یک میلیون مهاجر در مسکو مشغول کار هستند. تعداد قابل ملاحظه ای از آنها بدون مجوز قانونی در این کشور اقامت دارند.

مهاجرت و یا نقل و انتقال نیروی کار در سراسر جهان، بخصوص انتقال نیروی کار از کشورهای فقیر به کشورهای نسبتاً ثروتمند جزئی از قانونمندی اجتماعی در جهان است.

بعد از تجزیه اتحاد شوروی، گرجستان و ارمنستان در قفقاز، تاجیکستان و قیرقیزستان در آسیای مرکزی و مولداوی در اروپا، بعلت فقدان منابع طبیعی به فقیرترین